

به نام خداوند جان و خرد

استاد دو جهان

آیقوت ارطغرل

ترجمه: گروه مترجمان

(شرکت‌کنندگان برتر دومین دوره کارگاه ترجمه ادبی ترکی)

(ترجمه شده از چاپ سوم اثر)

دبیر و تهیه‌کننده: بهروز بیک بابائی

(عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبائی)



تهران - آکادمی بیلین (انتشارات اوغوزخان)

پاییز ۱۴۰۴



استاد دو جهان

نویسنده: آیقوت ارطغرل

ترجمه: گروه مترجمان

(برگزیدگان دومین دوره کارگاه ترجمه ادبی)

نوبت چاپ: اول - تهران - آکادمی بیلین (انتشارات اوغوزخان)

سال چاپ: پاییز ۱۴۰۴ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

دبیر و تهیه کننده: بهروز بیک بابائی

ویراستار: یاشار بیک بابائی طراحی جلد: زهرا فریدون نسب

محل نشر: تهران قیمت: ۲۹۹۰۰۰ تومان

صحافی: اوغوزخان چاپ: مجد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۴۷۶-۳۷-۷

تهران، بزرگراه چمران، پل مدیریت، سعادت آباد، خیابان علامه جنوبی، دانشکده ادبیات

فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی، ساختمان فردوسی

تلفن تماس: ۰۹۳۸۰۲۳۲۶۶۱ / ۰۲۱-۴۴۵۷۷۹۸۱

کد پستی: ۱۹۹۷۹۶۷۵۵۶

oguzxanyayinlari@gmail.com پست الکترونیکی

تمام حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به انتشارات است. این کتاب با

دریافت حق تألیف از نویسنده ترجمه و نشر گردیده است.



- سرشناسه
ارطغرل، آیکوت، ۱۹۸۱-م.
-Ertuğrul, Aykut, 1981
- عنوان و نام پدیدآور
استاد دو جهان/آیقوت ارطغرل؛ ترجمه گروه مترجمان (شرکت کنندگان برتر دومین دوره کارگاه ترجمه ادبی ترکی)؛ دبیر و تهیه کننده بهروز بیگ بابایی.
- مشخصات نشر
تهران: اوغوزخان، ۱۴۰۴.
- مشخصات ظاهری
ن، ۱۶۱ ص.: مصور.
- شابک
۱۹۹۰۰۰۰ ریال 7-37-8476-622-978:
- وضعیت فهرست نویسی
فیپا
- موضوع
داستان‌های ترکی استانبولی -- قرن ۲۱م
Turkish fiction -- Turkey -- 21st century
- شناسه افزوده
بیگ بابایی، بهروز، ۱۳۵۱ -
- شناسه افزوده
Bekbabayi, Behruz:
- شناسه افزوده
جشنواره ترجمه ادبی؛ ترکی استانبولی به فارسی (دومین: ۱۴۰۳: تهران)
- رده بندی کنگره
PL۲۴۸:
- رده بندی دیویی
۳۵۳۳/۸۹۴:
- شماره کتابشناسی ملی
۱۰۰۵۶۲۴۱:
- اطلاعات رکورد کتابشناسی
فیپا

دومین دورۀ کارگاه ترجمه ادبی

(از ترکی استانبولی به فارسی)

دبیر علمی کارگاه: دکتر بهروز بیک بابائی

(عضو هیئت علمی گروه ترکی دانشگاه علامه طباطبائی)

دبیر اجرایی کارگاه: یاشار بیک بابائی

مدرسان کارگاه:

دکتر مهرگان نظامی زاده

دکتر مسعود فرهمندفر

دکتر بهروز بیک بابائی

سرکار خانم اتوسا آبکار

محل برگزاری: آکادمی علمی، آموزشی و فرهنگی بیلین

(مستقر در مرکز نوآوری و تولید محتوای دانشگاه علامه طباطبائی)

مترجمان

پریا محمدی لمعه‌دشت (استاد دو جهان)

لیلا کومار (شکارچی)

فائزه خیاطی (واپسین روز اسماعیل)

رقیه نظر لوتی (قصه سه روز)

سیاوش میری (سایه... آن گرداب، آن طوفان)

یاشار بیک بابایی (تأثیر پروانه آبی)

سیاوش میری (داستانی با مجهولات زیاد)

لیلا کومار (عزّام غریب)

لیلا کومار (آمارولا مثل جهنم می‌مونه)

یاشار بیک بابایی (اژدها می‌گویم اژدها)

مقدمه هیئت اجرایی کارگاه

دومین کارگاه ترجمه ادبی (ترکی استانبولی به فارسی) به همت آکادمی علمی، آموزشی و فرهنگی بیلین و انتشارات اوغوزخان جشنواره در زمستان ۱۴۰۳ برگزار شد.

این رویداد علمی فرهنگی با نام «کارگاه ترجمه ادبی» در زمستان ۱۴۰۳ برای اولین بار در ایران در آکادمی بیلین با شرکت ده نفر از علاقمندان برگزار شد. در این کارگاه اساتید مجرب در حوزه‌های مختلف علم ترجمه؛ دکتر بهروز بیک بابائی (اصول و روش‌های ترجمه و نشان‌داری در ترجمه)، دکتر مهرگان نظامی‌زاده (تئوری‌های ترجمه)، دکتر مسعود فرهمندفر (سبک در ترجمه) و زبان مقصد = زبان فارسی) به صورت تئوری تدریس کردند و مترجم برجسته سرکار خانم اتوسا آبکار با شرکت‌کنندگان به صورت عملی ترجمه کارکردند. در پایان برای کار عملی از نویسندگان ترکیه‌ای آقایان / احمد ملیح قاراوغوز و آیتوت ارطغرل متون انتخابی جهت ترجمه در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

در بخش داوری کارگاه سه داور در بخش‌های نگارش فارسی و ویراستاری، وفاداری به متن و سبک ادبی آثار را به صورت بی‌نام تحلیل و بررسی کرده و امتیازهایی را برای هر متن در بخش موردنظر به صورت جداگانه در نظر گرفتند. هیئت برگزاری پس از دریافت امتیازهای داوران آن‌ها را تجمیع کرده و به صورت نمره‌ای از صد برای هر مترجم در نظر گرفتند.

در پایان آثار برگزیده در چندین مجموعه به زیور چاپ آراسته شد. کتاب حاضر یکی از این مجموعه‌ها است.

باشد که این دست فعالیت‌ها در جامعه ما بیشتر شود.

مقدمه‌ای بر سبک و جهان‌بینی آیقوت ارطغرل

آیقوت ارطغرل (Aykut Ertuğrul) از چهره‌های برجسته ادبیات معاصر ترکیه است که با سبک منحصر به فرد خود، جهان‌بینی عمیق و روایت‌های چندلایه، جایگاه ویژه‌ای در میان نویسندگان نسل خود یافته است. آثار او تلفیقی هوشمندانه از واقعیت‌های اجتماعی، فلسفه‌ی اگزیستانسیالیستی و نگاهی انتقادی به ساختارهای قدرت است. او با زبانی پویا و تصاویر ادبی تأثیرگذار، خواننده را به درون دنیاهای پیچیده‌ای می‌کشاند که در عین تاریکی و ابهام، پر از امید و کنکاش‌های انسانی هستند.

ارطغرل در داستان‌هایش به مضامینی چون تنهایی، جست‌وجوی هویت، تقابل سنت و مدرنیته و بحران‌های اخلاقی در جهان امروز می‌پردازد. نثر او گاه موجز و نمادین است و گاه با جریان سیال ذهن، مخاطب را به عمق روان شخصیت‌ها می‌برد. او از نویسندگانی است که به جای ارائه پاسخ‌های ساده، پرسش‌های بنیادین را پیش روی خواننده می‌گذارد و او را به تأمل وامیدارد.

این کتاب، که ترجمه‌ای از یکی از برجسته‌ترین آثار اوست، فرصتی است برای آشنا شدن با دنیای ادبی آیقوت ارطغرل و درک دیدگاه‌های او درباره انسان و جامعه. امیدواریم این اثر بتواند مخاطب فارسی‌زبان را همچون خوانندگان ترک‌زبان، به تفکر وادارد و لذت کشف لایه‌های پنهان متن را به آن‌ها هدیه کند.

بهر روز بیک بابائی

ناشر و دبیر کارگاه ترجمه ادبی

بررسی کتاب «استاد هر دو جهان» از نظر ناشر

نقاط قوت ترجمه:

۱. وفاداری به متن اصلی: ترجمه با حفظ سبک و لحن نویسنده انجام شده و تلاش شده تا مفاهیم و احساسات متن اصلی به درستی انتقال یابد.
۲. زبان روان و جذاب: ترجمه از زبانی روان و ادبی برخوردار است که برای خواننده فارسی‌زبان جذاب و قابل فهم است.
۳. حفظ ساختار داستان‌ها: هر داستان با ساختار منسجم و منظم ترجمه شده، که به خواننده کمک می‌کند تا به راحتی با روایت همراه شود.
۴. توجه به جزئیات فرهنگی: ترجمه به خوبی عناصر فرهنگی ترکی را به فارسی منتقل کرده و در موارد لازم توضیحات مناسب ارائه شده است.
۵. تنوع داستان‌ها: کتاب شامل داستان‌های متنوع با موضوعات مختلف است که این تنوع می‌تواند برای خوانندگان جذاب باشد.

نقاط ضعف ترجمه:

۱. عدم یکدستی در ترجمه: برخی اصطلاحات یا عبارات ممکن است به صورت تحت‌اللفظی ترجمه شده باشند که گاهی باعث کاهش روانی متن می‌شود.
۲. ابهام در برخی مفاهیم: برخی مفاهیم فلسفی یا فرهنگی ممکن است برای خواننده فارسی‌زبان کاملاً واضح نباشند و نیاز به توضیح بیشتری داشته

باشند.

چرا این کتاب را بخوانیم؟

۱. **آشنایی با ادبیات معاصر ترکیه:** این کتاب فرصتی است برای آشنایی با سبک و جهان بینی آیقوت ارطغرل، یکی از نویسندگان برجسته ترکیه، که آثارش تلفیقی از واقعیت‌های اجتماعی و فلسفه آگزیستانسیالیستی است.
 ۲. **داستان‌های چندلایه و تأمل برانگیز:** هر داستان پر از نمادها و مفاهیم عمیق است که خواننده را به تفکر وامی‌دارد.
 ۳. **ترجمه گروهی و کیفیت بالا:** ترجمه توسط گروهی از مترجمان انجام شده که نشان‌دهنده توجه به کیفیت و دقت در انتقال مفاهیم است.
 ۴. **تنوع موضوعی:** از تنهایی و جستجوی هویت تا تقابل سنت و مدرنیته، این کتاب طیف گسترده‌ای از موضوعات انسانی را پوشش می‌دهد.
 ۵. **تجربه ادبی منحصر به فرد:** خواننده با خواندن این کتاب، وارد دنیایی می‌شود که در عین تاریکی و ابهام، پر از امید و کنکاش‌های انسانی است.
- در مجموع، این کتاب برای علاقه‌مندان به ادبیات داستانی و کسانی که به دنبال کشف دنیاهای جدید از طریق ادبیات هستند، انتخابی ارزشمند محسوب می‌شود.

درباره نویسنده

متولد ۱۹۸۱. بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱، به همراه دوستانش مجله یوموشاق «غ» را منتشر کرد. از سال ۲۰۰۸، داستان‌ها و نوشته‌هایش در مجلات مختلف به چاپ می‌رسد. او اکنون سردبیر مجله پست اویکو است. اولین مجموعه داستان او با عنوان «کافه کیف‌کدر» در سال ۲۰۱۱ برنده جایزه داستان کوتاه عمر سیف‌الدین شد. دومین کتابش، «بهترین داستان‌های ممکن»، به عنوان بهترین مجموعه داستان سال ۲۰۱۳ توسط «اتحادیه نویسندگان ترکیه» انتخاب شد. در سال ۲۰۱۶، کتاب «قورقود آتا چه گفت؟» (به همراه گورای سونگو)، در ۲۰۱۸ «عجایب المخلوقات»، و در ۲۰۲۱ «کتاب سیاحان و کاشفان» را به عنوان آثار جمع‌آوری شده ویرایش و منتشر کرد. او در سال ۲۰۱۸ جایزه داستان کوتاه و رمان «نجیب فاضل» را دریافت نمود.

آثار منتشرشده:

- قهوه کیف‌کدر (۲۰۱۱)
- بهترین داستان‌های ممکن (۲۰۱۳)
- استاد دو جهان (۲۰۱۴)
- شادی بی‌پایان هر آغاز (۲۰۱۸) (این کتاب به زبان فارسی توسط این انتشارات یعنی اوغوزخان چاپ شده است.)
- رؤیای ناقص: داستان‌هایی از روزگاران عجیب (۲۰۱۹)
- حافظه و دیگر دام‌ها (۲۰۲۰)

فهرست

ز	مترجمان
ح	مقدمه هیئت اجرایی کارگاه.....
ط	مقدمه‌ای بر سبک و جهان‌بینی آیقوت ارطغرل.....
ی	بررسی کتاب «استاد هر دو جهان» از نظر ناشر.....
نویسنده	درباره
	ل
م	فهرست
۱۶	استاد دو جهان
۱۶	مترجم: پریا محمدی لمعه‌دشت.....
۳۲	شکارچی
۳۲	مترجم: لیلا کومار.....
۳۸	واپسین روز اسماعیل
۳۸	مترجم: فائزه خیاطی
۵۸	قصه سه روز
۵۸	مترجم: رقیه نظرلوئی.....
۸۳	سایه... آن گرداب، آن طوفان
۸۳	مترجم: سیاوش میری.....

۹۷	تأثیر پروانه آبی
۹۷.....	مترجم: یاشار بیک بابایی
۱۲۳	داستانی با مجهولات زیاد
۱۲۳.....	مترجم: سیاوش میری
۱۳۷	عزّام غریب
۱۳۷.....	مترجم: لیلا کومار
۱۴۳	آمارولا مثل جهنم می مونه
۱۴۳.....	مترجم: لیلا کومار
۱۴۷	اژدها می گویم اژدها
۱۴۷.....	مترجم: یاشار بیک بابایی

استاد دو جهان

مترجم: پیرامحمدی لمعه دشت

استاد دو جهان

مترجم: پریا محمدی لمعه‌دشت

نمی‌دانم چطور شد؛ به‌هرحال نپرس. به چه چیزی اعتقاد داشتی؟ این چیزی است که باور نخواهی کرد؟ لازم نیست باور کنی؛ فقط گوش کن؛ حتی مجبور نیستی گوش کنی؛ فقط حرفم را قطع نکن. نیاکان بیهوده گفته‌اند؟: «جنگ لفظی، جنگ لفظی، جنگ لفظی!» بیایید ببینیم سخنان ما با ما، با شما، با کسانی که گوش می‌دهند، با کسانی که نمی‌شنوند، چه می‌کند.

من در حجره‌ام در مدرسه تنها بودم. نمی‌دانم چطور شد، آخرین چیزی که به یاد می‌آورم در کتاب‌هایی زیر نور شمع دفن شد و سعی کردم به‌خاطر بسپارم. چند روز است چیزی نخوردم؟ چند تا گره جدید در ارسی دور کمرم زده بودم؟ در تمام ساعات شبانه‌روز در صحن مجاور مسجد مردم حضور داشتند؛ اما آن روز کسی آنجا نبود. می‌بینی؟ شاهدی جز مرغان دریایی ندارم که پتوی سکوتی را که شب با فریادهای بلندشان پوشانده‌ام، در هم می‌پاشند. به‌زودی برای نماز تهجد می‌ایستم. شاید من عصیان کردم. من نمی‌دانم.

ناگهان در سپیده‌دم در پای چناری چندصدساله دیدم که دست در دست

هم منتظر کانایه‌ای جلوی پیر فانی عمامه‌دار سبزرنگی بودم که کمی بلندتر از وسط بود؛ نه لاغر و نه چاق. ریش چهارانگشتی، سبیل تراشیده، دودست و ده انگشت، با پوست خشک و کمی بزرگ‌تر از وسط؛ با عمامه سبز. فکر می‌کنم او منتظر من بود، بدون اینکه حتی به صورتم نگاه کند، گفت: «بنشین!» مات و مبهوت صدایش... نمی‌گویم خشن بود؛ اما اصلاً نرم نبود؛ ضخیم نبود؛ نازک نبود؛ نه بلند بود؛ نه کم بود همه. می‌دانی دور از شهر، شب‌ها که پرنده‌گرگ خواب است، به پشت دراز می‌کشی و آسمان را تماشا می‌کنی و در آن لحظه صدای باد و برگ درختان و صدای حشرات جمع می‌شوند؛ جمع می‌شوند و به آرامی به صورت یک صدا وارد گوش شما می‌شوند.

- بنشین!

من نشستم.

او گفت: «تو کی هستی؟ چی هستی؟ چرا پیش من هستی؟»

می‌دونی دریا... می‌دونی صدای امواج... صدای امواج مثل کلماتی که در جملات یک داستان خوش نوشته دنبال هم می‌آیند، وقتی یکی تمام می‌شود، دیگری نیز بلند می‌شود. یکی تمام می‌شود، دیگری شروع می‌شود.

- چرا اینجا ای؟

دروغ نگفتم؛ ترسیدم؛ نمی‌توانستم از شرمندگی‌ام جلوگیری کنم. حس نجابتی به وجودم آمد.

گفتم: «من نمی دانم.» به محض اینکه این کلمات از دهانم بیرون آمد، متوجه شدم که نمی دانم. نمی دانم ناراحتی من را دوست داشت یا جوابم را اما ریش پیر کمی لرزید. آیا می توانست لبخند بزند؟ با آشغالی که تو دستت بود... آره! تو دستت آشغال بود؛ هم زمان با تو متوجه شدم. انگار با زباله هایی که در دستش بود روی زمین چیزی کشید. نگاه کردم تکان دادن سطل زباله در صورتم را نفهمیدم.

گفت: «بسیار خوب است؛ ندانستن خوب است؛ حتی بهتر است آنچه را که نمی دانید، بدانید.»

نمی دانستم چه بگویم؛ با ملایمت سرم را خم کردم. اگر می داند که من نمی دانم و از این بابت خوشحال است، حتماً چیزی هست که می داند. عاقلانه ترین کار این بود که صبر کنیم تا او صحبت کند. اگر نمی دانید، باید سکوت کنید.

مدتی ساکت ماند و با زباله هایی که در دست داشت، سوراخی به اندازه قبر مورچه روی زمین باز کرد. کتابی را از قبر بیرون آورد. درحالی که فکر می کردم چگونه کتاب از آنجا بیرون آمد و آیا بین دو جمله پلک زدم یا نه، شروع به ورق زدن کتاب کرد. انگار برای اولین بار هم می دید یا این کتاب را طوری خواند که انگار هر بار برای اولین بار آن را می بیند. گفت: «اینجا گوش کن.» و نزدیک بود بسم الله را شروع کند که مکث کرد. او باید متوجه شده